

# جایگاه مفهوم و مصادیق صلح در سرفصل‌ها و فصل‌های رشته علوم سیاسی

سیدرضا موسوی نیا \*

## چکیده

نظریه‌های سنتی، مدرن، انتقادی و اسلامی، هر یک تعریفی خاص از علم سیاست دارند. جنگ و صلح از موضوعاتی است که هر یک از این نظریه‌ها به آنها پرداخته و برای کنترل جنگ و تحقق صلح راهکارهایی را ارائه می‌دهند. گفتمان حاکم بر انقلاب اسلامی که توسط امام خمینی (ره) شکل و ساختار یافت، دانش سیاسی مطلوب را برگرفته از قرآن و سنت می‌داند و همزیستی مسالمت‌آمیز میان گروه‌ها و ملت‌ها را هدف نهایی تعالیم اسلامی معرفی می‌کند. بالمال، نگاه اسلامی به سیاست و اصالت صلح در قانون اساسی و اسناد بالادستی جمهوری اسلامی مشهود است. وزارت علوم نیز به علوم سیاسی از دیدگاه اسلامی و گفتمان حاکم بر انقلاب اسلامی پرداخته و در ابلاغیه سرفصل‌های درسی رشته علوم سیاسی به دانشگاه‌های کشور، اعتلای ارزش‌های انسانی، تفاهم و صلح با ملت‌های دیگر و ارائه دروس مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی را از اهداف این رشته

---

\* استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.  
(نویسنده مسئول: seyedreza\_mousavi54@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۰۲

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره اول، شماره بیست و سوم، صص ۱۵۴-۱۳۹

عنوان کرده است. در این پژوهش به این مسئله پرداخته می‌شود که سرفصل‌ها و فصل‌های رشته علوم سیاسی (که به سیلابس‌های درسی مشهور است)، تا چه اندازه مبتنی بر دیدگاه‌های اسلامی و اهداف اعلام شده وزارت علوم برای این رشته تحصیلی است؟ و سؤال دیگر اینکه مفهوم صلح و مصادیق آن چه جایگاهی در سیلابس‌های رشته علوم سیاسی دارد؟ (سؤال پژوهش) این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوی کمی و با هدفی توصیفی- تطبیقی، به تحلیل سیلابس‌های ابلاغی وزارت علوم برای رشته علوم سیاسی در دو مقطع زمانی ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲ پرداخته است (روش پژوهش) و نشان می‌دهد: در ابلاغیه سیلابس‌های درسی در این دو مقطع، سرفصل‌های مبتنی بر دیدگاه‌های اسلامی تعیین شده اما محورها و یا فصل‌های هر درس، مبتنی بر دیدگاه مدرن یا قدرت‌محور به علم سیاست تدوین شده است. سرفصل درسی که به‌طور اخص به مفهوم صلح و مصادیق آن بپردازد، وجود ندارد. ضمن آنکه فصل‌های درسی مرتبط با صلح و مصادیق آن نسبت به مفهوم جنگ و قدرت بسیار محدود و غیرقابل مقایسه است. (یافته‌های پژوهش) در پایان راهکارهایی برای ترویج گفتمان صلح در رشته علوم سیاسی ارائه می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** نظریه‌های سنتی، جنگ و صلح، سرفصل‌های علوم سیاسی، دیدگاه مدرن، گفتمان انقلاب اسلامی، جهان‌بینی اسلامی.

## مقدمه

مکاتب مختلف نظری بر اساس انسان‌شناسی که دارند، دیدگاه‌های مختلفی نسبت به علم سیاست ارائه کرده‌اند. برخی علم سیاست را دانش کسب و حفظ قدرت می‌دانند. دسته‌ای دیگر علم سیاست را هنر مدیریتِ منافع متعارض در داخل و خارج از کشور تعریف می‌کنند و دسته‌ای دیگر علم سیاست را علم تدبیر امور جامعه، مبتنی بر اهداف عالی آن جامعه دانسته‌اند. آنچه علم سیاست را نسبت به سایر علوم انسانی و طبیعی پیچیده‌تر می‌کند، ریشه در همین پارادایم‌های مختلف و بعضاً متعارض ارزشی دارد. در یک تقسیم‌بندی کلی، نظریه‌های سنتی، مدرن، انتقادی و اسلامی، هر یک تعریفی خاص از علم سیاست ارائه می‌دهند. جنگ و صلح از جمله موضوعات محوری است که هر یک از این نظریه‌ها به آنها می‌پردازند و برای کنترل جنگ و تحقق صلح راهکارهایی ارائه می‌دهند. گفتمان حاکم بر انقلاب اسلامی که توسط امام خمینی (ره) شکل و ساختار یافت، دانش سیاسی مطلوب را برگرفته از قرآن و سنت می‌داند و همزیستی مسالمت‌آمیز میان گروه‌ها و ملت‌ها را هدف نهایی تعلیم اسلامی معرفی می‌کند. امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بارها سیاست، دیانت و صلح‌طلبی در جمهوری اسلامی را همزاد و مقوم یکدیگر معرفی کرده‌اند. بالمال این نگاه به علم سیاست و صلح در قانون اساسی و اسناد بالادستی مشهود است. وزارت علوم نیز به علوم سیاسی از دیدگاه اسلامی پرداخته است و در ابلاغیه‌های سرفصل‌های درسی رشته علوم سیاسی به دانشگاه‌های کشور، اعتلای ارزش‌های انسانی، تفاهم و صلح با ملت‌های دیگر و ارائه دروس مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی را از اهداف این رشته عنوان کرده است. سؤالی که مسئله اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد عبارت است از:

سرفصل‌ها و فصل‌های رشته علوم سیاسی (که به سیلابس‌های درسی مشهور است) تا چه اندازه مبتنی بر اهداف اعلام شده وزارت علوم برای این رشته است؟ و سؤال دیگر اینکه مفهوم صلح و مصادیق آن چه جایگاهی در سیلابس‌های درسی این رشته تحصیلی

دارد؟ این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوی کمی (معناشناسی آماری) و با هدفی توصیفی- تطبیقی، به تحلیل سیلابس‌های ابلاغی وزارت علوم برای رشته علوم سیاسی در دو مقطع زمانی ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲ پرداخته است و پس از انجام تحلیل محتوی کمی سیلابس‌ها و مقایسه آنها با یکدیگر به یافته‌های زیر رسیده است:

در ابلاغیه سیلابس‌های درسی در دو مقطع ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲، سرفصل‌ها مبتنی بر دیدگاه‌های اسلامی تعیین شده است اما فصل‌های هر درس مبتنی بر دیدگاه مدرن یا قدرت‌محور به دانش سیاسی تدوین شده است.

سرفصل درسی که به طور اخص به مفهوم صلح و مصادیق آن بپردازد وجود ندارد. نسبت فصل‌های درسی مرتبط با صلح و مصادیق آن به مفهوم جنگ و قدرت بسیار محدود و غیرقابل مقایسه است.

در بخش اول این مقاله به تعریف علوم سیاسی از دیدگاه چهار نظریه سنتی، مدرن، انتقادی و اسلامی می‌پردازیم. در بخش دوم جایگاه علوم سیاسی را در گفتمان انقلاب اسلامی تشریح می‌کنیم و در قسمت سوم به تحلیل محتوی سیلابس درسی‌های علوم سیاسی در دو مقطع ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲ می‌پردازیم و ضمن مقایسه آن دو با یکدیگر، میزان انطباق آنها را با اهداف صلح‌طلبانه در دیدگاه‌های اسلامی نشان می‌دهیم. در پایان راهکارهایی برای ترویج گفتمان صلح در رشته علوم سیاسی ارائه می‌کنیم.

### ۱. علم سیاست و صلح از منظر مکاتب چهارگانه

رسانس و اصلاح دینی در مغرب زمین، وحدت علوم طبیعی و انسانی را ترویج کرد اما این وحدت به معنی تبعیت علوم انسانی از علوم طبیعی بود. رنه دکارت عقل‌گرا و فرانسویس بیکن تجربه‌گرا، بنیانگزاران روش علمی تجربی بودند و شیوه تولید دانش در علوم طبیعی را الگوی تولید دانش در علوم انسانی قرار دادند. ماکیاولی در علوم سیاسی نگرش جدیدی را با تأسی به دکارت و بیکن ارائه کرد. او گفت برای شناخت سیاسی، به جای استفاده از استدلال‌های فلسفی و مذهبی باید از داده‌های تاریخی و واقعیت‌های اجتماعی بهره برد (سلیمی، ۱۳۸۴: ۴۹-۵۰). نگرش ماکیاولی به سیاست توسط توماس هابز نیز تقویت شد. هابز سیاست را مبتنی بر توانایی کسب و حفظ قدرت تعریف کرد. این دیدگاه مبنای نظریه پردازری رئالیسم سنتی در علم سیاست شد به گونه‌ای که رابرت دال، قدرت را هسته اصلی سیاست و علم

سیاست را علم کسب و حفظ قدرت سیاسی خواند(عالم، ۱۳۸۰: ۸۸). لاسول، علم سیاست را مطالعه چگونگی شکل گرفتن قدرت و سهیم شدن در آن دانست و عمل سیاسی را عملی معرفی کرد که بر اساس قدرت انجام پذیرد. نولی، مطالعه فعالیت‌هایی را که با کسب قدرت دولت، تحکیم قدرت دولت و استفاده از قدرت دولت همراه است، دانش سیاسی معرفی کرد (عالم، ۱۳۸۰: ۲۸-۳۰). مورگنتاو در عرصه بین‌المللی به تأسی از ماکیاولی و هابز، روابط بین‌الملل را کشمکش دولت‌ها بر سر قدرت دانست (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۲). از دیدگاه سنتی، مسائل اخلاقی و مذهبی موضوع دانش سیاسی نیست. مسئله علم سیاست، خوب یا بد بودن پدیده‌های سیاسی نیست بلکه علم سیاست باید به شیوه‌ای پوزیتیویستی و حل‌المسائلی به موضوعات سیاسی بپردازد (Burnham, 2008: 20). دیدگاه سنتی به مقوله صلح، نه به عنوان یک ارزش بلکه به عنوان یک وضعیت که می‌تواند بر مبنای عقلانیت هزینه فایده‌گرا، منافع بیشتری به ارمغان بیاورد، نگریده است. از دیدگاه نظریه سنتی، نظم سلسله‌مراتبی یا توزیع آمرانه ارزش‌ها که دولت‌ها در داخل ایجاد می‌کنند و وضعیت توازن قدرت میان دولت‌ها در عرصه بین‌المللی، ایجاد کننده صلح است. دیدگاه سنتی جنگ را برای کشورهای قدرتمند مشروع می‌داند و معتقد است توازن قدرت در خارج وضعیتی است که با افزایش قدرت کشورها شکسته می‌شود و کشور قدرتمند مشروعیت حمله به کشور دیگر را دارد. ریمون آرون در کتاب «جنگ و صلح»، روابط بین‌الملل را روابط میان واحدهایی می‌داند که هر کدامشان مدعی حق به دست گرفتن عدالت هستند و خود را یگانه داور در زمینه تصمیم‌گیری برای جنگیدن و ننگیدن می‌شناسند (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۳). مصالحه دولت‌ها نیز در موضوعاتی صورت می‌گیرد که برایشان جنبه حیاتی نداشته باشد (دوئرتی، ۱۳۷۶: ۱۶۹). بر این اساس جنگ در دیدگاه سنتی به سیاست اصالت دارد و صلح ضرورتی است که گاه در میان کشورها بر اثر موازنه قدرت برقرار می‌شود.

نگرش مدرن به علم سیاست نیز برگرفته از همان نگرش سنتی است با این تفاوت که با سقوط نظام‌های پادشاهی و آثار مخرب دو جنگ جهانی و ترویج دموکراسی در مغرب زمین، عنصر قدرت دیگر یک امتیاز انحصاری در دست دولت‌ها تعریف نشد، بلکه قدرت در قالب مسئولیت دولت‌ها در قبال شهروندان دانسته شد. سیاست در دیدگاه مدرن مثل دیدگاه سنتی در انحصار حکومت تعریف می‌شود و علم سیاست، هنر اداره حکومت، سازمان‌ها، ادارات دولتی و توانایی تنظیم روابط با سایر کشورها دانسته می‌شود (Tansy, 2000: 4). دیدگاه مدرن در

عرصه داخلی قائل به تقسیم قدرت میان دولت و ملت است و در عرصه بین‌المللی با ایجاد نهادهایی قانونی برای ممانعت از جنگ، صلح جهانی را یک ارزش مشترک بشری معرفی می‌کند. با این وجود ابزار مهار جنگ و حفظ صلح در داخل و خارج مثل دیدگاه سنتی، قدرت است که در قالب توازن قدرت تعریف می‌شود. در دیدگاه مدرن، جوامع مولد قدرت اقتصادی دارند و از این طریق، قدرت سیاسی دولت را متعادل و متوازن می‌کنند. تولید ثروت در دست جامعه است و دولت مدرن در ازای مالیاتی که از جامعه دریافت می‌کند، برای سه وظیفه ذاتی خود یعنی امنیت، آموزش و بهداشت نهادسازی می‌کند. نتیجه این توزیع قدرت، پاسخ‌گویی دولت و تحکیم دموکراسی است که این وضعیت صلح پایدار داخلی به همراه دارد و مانع از استبداد دولت بر ملت می‌شود. نگرش مدرن در عرصه بین‌المللی نیز مانند دیدگاه سنتی، توازن قدرت را موجب ایجاد صلح در ساختار اقتدارگرایز بین‌المللی می‌داند با این تفاوت که جنگ قبیح و توازن قدرت یک الزام و ارزش تلقی می‌شود (Waltz, 2000: 27). این توازن قدرت از طریق دیپلماسی حاصل می‌شود. از دیدگاه مدرن، دیپلماسی بر جنگ اصالت دارد. مورگنتاو دیپلماسی در عرصه خارجی را با نگرشی قدرت‌محور تعریف می‌کند. از دیدگاه او دیپلماسی پیگیری اهداف ملی است که بر حسب منافع ملی تعریف شده‌اند و دیپلماسی موفق در گرو قدرت ملی است (دوئرتی، ۱۳۷۶: ۱۶۹).

دیدگاه‌های انتقادی که طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی رویکردهای سنتی و مدرن به سیاست را نقد می‌کنند. آنها اصالت قدرت در دیدگاه سنتی و مدرن را علت اصلی جنگ و بی‌عدالتی معرفی می‌کنند و معتقدند، تعمیم پوزیتویسم طبیعت‌گرا به دانش سیاسی، انسان را شی‌زده کرده و در دنیای مدرن به جای آنکه طبیعت در خدمت انسان باشد، انسان در خدمت طبیعت درآمده است. دغدغه دیدگاه‌های انتقادی، عدالت، توجه به رانده‌شدگان و حاشیه‌نشینان، گفتگو و مفاهمه فارغ از قدرت و بالاخره صلح پایدار است. این دیدگاه به لحاظ معرفت‌شناسی بر خاص بودن امر سیاسی تأکید می‌کند و وظیفه دانش سیاسی را صرفاً توصیف محض پدیده‌های سیاسی می‌داند (Roselle, 2012: 1). شاید همین دیدگاه باعث غیر کاربردی شدن دیدگاه‌های انتقادی در علوم سیاسی می‌شود و این رویکرد را در ساحت نقد جریان مدرن و توصیف محض، محصور و محدود کرده است. رویکردهای انتقادی می‌خواهند تریبون مرکزی قدرت را قطع کند و به همه کنش‌گران اجتماعی تریبون دهد و این یعنی بزرگداشت تفاوت‌ها و

تمایزها. به تعبیر کالین های، بهای «احترام به هر گونه تفاوتی، از کارافتادگی سیاسی است و این بهای زیادی است که (نظریه‌های انتقادی) باید پرداخت کند» (های، ۱۳۸۵: ۴۰۱). نظریه‌های انتقادی برخلاف دیدگاه مدرن، سیاست را امری سیال در جامعه و نه منحصر در حوزه حکومتی می‌داند. از نگاه آنها همه وجوه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... که به قدرت مربوط می‌شوند، سیاسی هستند پس هر جا که قدرتی در جریان باشد، سیاست نیز همانجا است (های، ۱۳۸۵: ۲۱-۲۲). دیدگاه‌های انتقادی، تحقق صلح در داخل و عرصه بین‌المللی را وارد کردن کنش‌گران اجتماعی در حاشیه و یا به حاشیه‌رانده شده و شکستن انحصار علم اثبات‌گرا می‌داند اما به سبب خاص بودن پدیده‌های انسانی و سیاسی، هیچ‌گونه تجویز کلی و کاربردی برای تحقق و حفظ صلح ارائه نمی‌کند.

رویکرد چهارم به علم سیاست، رویکرد اسلامی است. اسلام دین غیرسیاسی نیست و برای سیاست و تدبیر جامعه، رویکردها و برنامه‌های معینی دارد. سیاست اسلامی، سیاست مدرن را نقدی ساختاری می‌کند و معتقد است سیاست مبتنی بر قدرت، سکان‌داری حکومت و تمشیت امور مردم با هر قیمتی است. سیاست مبتنی بر قدرت، تحقیر کرامت انسان‌ها، ریختن خون انسان‌ها، استبداد، استثمار و استعباد را برای حفظ قدرت، مشروع می‌داند حال آنکه سیاست اسلامی آمیزه‌ای از تدبیر امور جامعه به منظور محقق کردن عدالت، محبت، حفظ کرامت انسان و صلح است (شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۹).

این معنا از سیاست در کلام امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه موج می‌زند. ایشان بهترین سیاست را اقامه عدل، دادگری، اصلاح و اداره جامعه جامعه معرفی می‌کنند، چنانچه در نامه خود به معاویه می‌نویسند:

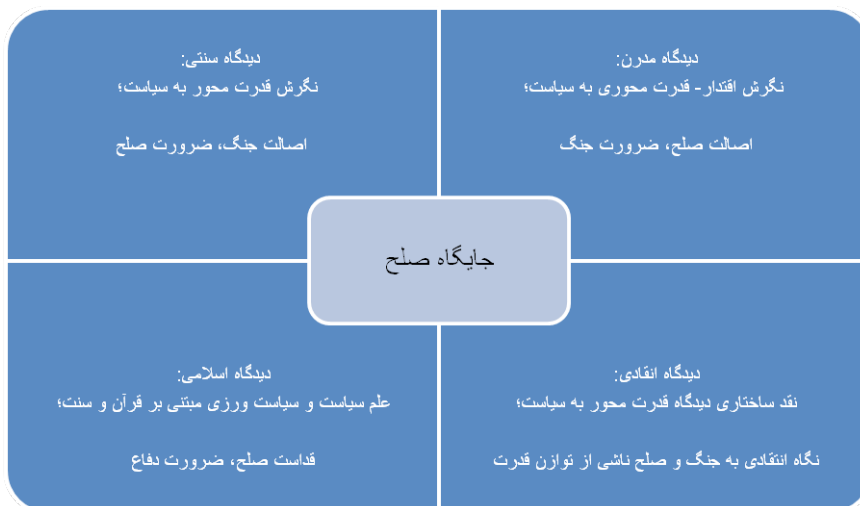
...وَمَتَى كُنْتُمْ يَا مُعَاوِيَةُ سَاسَةَ الرِّعِيَّةِ وَوَلَاةَ أَمْرِ الْأُمَّةِ... و تو ای معاویه کی سیاستمدار (اصلاح‌کننده و اداره‌کننده) رعیت و اولیای امر امت بوده‌ای؟ (نهج‌البلاغه سیدرضی، نامه ۱۰). حضرت در نامه خود به مالک اشتر نیز تقوی، علم و سیاست را ویژگی‌های حاکم اسلامی معرفی می‌کنند... فَاصْطَفِ لِرِوَايَةِ أَعْمَالِكِ أَهْلَ الْوَرَعِ وَالْعِلْمِ وَالسِّيَاسَةِ... برای سرپرستی کارهایت، اهل علم و ورع و سیاست را انتخاب کن (نهج‌البلاغه سیدرضی، نامه ۵۳).

صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز جوامع بشری نیز جایگاه ممتازی در قرآن و سیره پیامبر و اهل بیت دارد. قرآن کریم در آیه ۲۰۸ سوره بقره، همگان را به صلح دعوت می‌کند: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً... ای کسانی که ایمان آورده اید! همگی در صلح و آشتی در آبیید...

قرآن کریم، اولویت نخست در روابط میان جوامع را حفظ صلح و ایجاد صلح می‌داند چنانچه در آیه ۸ سوره ممتحنه، خداوند متعال مشخص می‌کند، ملت‌های مسلمان با کدام ملت‌های غیرمسلمان رابطه صلح‌آمیز برقرار کنند: «لَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ... اما خدا شما را از کسانی که در کار دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد.

خداوند در آیه ۶۱ انفال به مومنان توصیه می‌کند اگر کفار از در صلح درآمدند شما نیز با آنها صلح کنید. «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ...» و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی و بر خدا توکل کن.

قرآن در آیه ۹ سوره حجرات، مومنان را به برقراری صلح میان گروه‌های متخاصم با یکدیگر توصیه امر می‌کند: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأْضَلُّوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقْتُلُوا الَّتِي تَبَغَى حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأْضَلُّوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» و اگر دو گروه از مؤمنان با هم جنگیدند میان آنها را اصلاح کنید، و اگر یکی بر دیگری تجاوز نمود با آن گروه که تجاوز می‌کند بجنگید تا به فرمان خداوند بازگردد، پس اگر بازگشت میانشان به عدالت صلح برقرار نمایید، و همواره دادگری کنید، که خداوند دادگران را دوست دارد.





## ۲. علوم سیاسی و گفتمان انقلاب اسلامی

گفتمان انقلاب اسلامی با دیدگاه و رفتار سیاسی امام خمینی (ره) هویت می‌یابد. ایده اسلام سیاسی در درس‌های فقهی امام خمینی (ره) در دهه ۴۰ مطرح و در قالب ساختار انقلاب اسلامی و نهاد جمهوری اسلامی، صورت عملی به خود گرفت. امام خمینی هدف از بعثت پیامبران را سیاست‌ورزی معرفی می‌کند:

«پیامبر مبعوث شد که سیاست امت را متکفل باشد، انبیاء شغلشان سیاست است و دیانت همان سیاستی است که مردم را از اینجا حرکت دهد و به تمام چیزهایی که صلاح ملت و مردم است هدایت کند.» (صحیفه نور، جلد ۱۳: ۲۱۶).

امام در جای دیگر احکام دین را نیز آمیخته به سیاست معرفی می‌کند:

«دین اسلام یک دین سیاسی است که همه چیزش سیاست است حتی عبادتش. همه احکامش یک احکام مخلوط به سیاست است. اداره مملکت سیاست است.» (صحیفه نور، جلد ۹: ۱۳۸).

آیت‌الله جوادی آملی سیاست، اخلاق و تدبیر منزل را حکمت تعریف می‌کند. ایشان بر اساس تعریف غزالی از سیاست، سیاست را دربرگیرنده همه امور مادی و معنوی آدمی، در دنیا و آخرت می‌داند و با این تعریف، دین، اخلاق و سیاست را به هم گره می‌زند، زیرا معتقد است که هر سه، در صدد رساندن انسان به سعادت و خوشبختی در دنیا و آخرت هستند: (جوادی آملی، ۱۳۸۶).

«جهان‌بینی بدون جهان‌سازی تنها سلسله‌ای از مفاهیم تجربیدی و خشک است. قهرأ هر جهان‌بینی یا هر حکمتی برای خود حکمت عملی خاص یعنی اخلاق، تدبیر و سیاست خاص خواهد داشت.»

از دیدگاه امام خمینی، هدف غائی تعلیمات اسلامی و وظیفه دولت‌های اسلامی، تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز در سطح بین‌المللی است... «غایت تعلیمات اسلامی، همزیستی مسالمت‌آمیز در سطح جهان است.» (صحیفه نور، جلد ۱۱: ۲۵۶). آیت‌الله جوادی آملی نیز در مورد رابطه سیاست و صلح می‌گویند: «دین باید در متن سیاست راه پیدا کند و سیاستمداران متدینانه بیاندهند تا صلح محقق شود.» (جوادی آملی، ایرنا، ۲۶/۱/۱۳۹۳).

از دیدگاه اسلام، همزیستی مسالمت‌آمیز، احترام متقابل، برابری دولت‌ها و ملت‌ها،

همکاری ملت‌ها، پایبندی به تعهدات و پایبندی به حقوق و قراردادهای بین‌المللی از مصادیق صلح هستند. این دیدگاه در اصل ۱۵۲ قانون اساسی نیز متجلی شده است: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط طلح‌آمیز با دولت غیرمتحارب استوار است.» گفتمان سیاست و صلح‌اندیشی انقلاب اسلامی در اسناد و ابلاغیه‌های وزارت علوم نیز دیده می‌شود چنانچه سرفصل‌های درسی رشته علوم سیاسی در سال ۱۳۷۵، اهداف این رشته در دانشگاه‌ها را اینگونه تعیین می‌کند: (شورای برنامه‌ریزی، ۱۳۷۵: ۴).

«هدف از تعلیم رشته علوم سیاسی در دانشگاه‌ها، اعتلای علم سیاست، اعتلای ارزش‌های اصیل انسانی و پیدا کردن امکان تفاهم با ملت‌های دیگر بر اساس ارزش‌های انسانی مشترک است.»

و نیز در اهداف رشته علوم سیاسی در ابلاغیه سال ۱۳۹۲ آمده است: اصلاح و تطبیق مبانی، منابع و متون علوم سیاسی موجود بر اساس فلسفه اسلامی؛ تولید و ارائه علوم سیاسی مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی بر اساس رویکردهای هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی و روش‌شناسی؛ تدوین محتوی رشته با توجه به چشم‌انداز و آرمان‌های انقلاب اسلامی؛ اتخاذ رویکردهای اجتهادی در مقابل رویکردهای تقلیدی موجود بویژه از جهان غرب؛

تطبیق علوم سیاسی با شرایط و تحولات سیاسی اجتماعی و فرهنگی ایران بویژه پس از انقلاب اسلامی (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲: ۷-۸).

### ۳. تحلیل محتوی سیلابس رشته علوم سیاسی ۱۳۷۵

سرفصل‌ها و فصل‌های درسی رشته علوم سیاسی، مصوب ۱/۷/۱۳۷۵ شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، شامل ۶۷ سرفصل و ۱۴۸۰ فصل یا محور می‌شود. بیشترین سرفصل‌ها به ۸ درس حقوقی و ۸ درس تاریخی اختصاص یافته است. با این وجود سرفصلی با عنوان «صلح» و یا مصادیق صلح وجود ندارد. دو درس با عنوان «فن دیپلماسی و آداب کنسولی» و «دیپلماسی و رفتار سیاسی اسلامی» در میان درس‌ها تعریف شده است

که در این آخری مباحثی مانند تألیف قلوب، تکیه بر ارزش‌ها، اعزام سفیر و پذیرش سفیر آمده است. اما در این درس از ۲۶ فصل تنها ۶ فصل و محور آن به مصادیق صلح پرداخته است. حقوق بین‌الملل اسلام درس دیگری است که ۷ فصل از ۱۶ فصل آن به صلح و مصادیق آن پرداخته است. اصل صلح و همزیستی، اصل تعهد یکتا پرستانه، اصل وفای به عهد، اصل مدارا و تحمل، اصل همیاری و برابری، اصل عدم مداخله و اصل حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات از جمله فصل‌هایی که مصادیق صلح را آموزش می‌دهد. در نقطه مقابل دو درس «مسائل نظامی و استراتژیک معاصر» و «سیر قدرت‌ها در دریاها» به طور مستقیم به مسائل جنگ و نظامی‌گری می‌پردازد. در یک مقایسه کمی، از مجموع ۱۴۸۰ فصل درسی، تنها ۱۲ فصل به صلح و مصادیق آن از قبیل مدارا، برابری، همیاری، گفتگو، تعامل، دیپلماسی و... اختصاص دارد در حالی که فصل‌های مرتبط با جنگ، نظامی‌گری و بحران ۳۷ عنوان در بر می‌گیرد. جدول زیر فراوانی سرفصل‌ها و فصل‌های مربوط به جنگ و صلح و مصادیق آنها را در سیلابس درسی ۱۳۷۵ نشان می‌دهد.

سرفصل علوم سیاسی سال ۱۳۷۵: ۶۷ درس	فصل: ۱۴۸۰ عنوان
سرفصل صلح: ۰	صلح (مفهوم و مصادیق): ۱۲ فصل
سرفصل جنگ و مسائل نظامی: ۲۰	جنگ و مسائل نظامی: ۲۹ فصل
سرفصل دیپلماسی: ۲	بحران‌ها: ۸ فصل
سرفصل حقوقی: ۸	فرهنگ: ۰
سرفصل تاریخی: ۸	قدرت، زور: ۱۸

#### ۴. تحلیل محتوی سیلابس رشته علوم سیاسی ۱۳۹۲

سرفصل‌ها و فصل‌های درسی رشته علوم سیاسی مصوب ۱۴/۱۰/۱۳۹۲ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی با تغییرات اساسی نسبت به سیلابس ۱۳۷۵ به کلیه دانشگاه‌های علوم انسانی که رشته علوم سیاسی را تدریس می‌کنند، ابلاغ شد. در این ابلاغیه آمده است دانشگاه‌ها موظف هستند به مدت پنج سال، مطابق سرفصل‌ها و فصل‌های تصویب شده، به تدریس رشته علوم سیاسی بپردازند.

در یک نگاه کلی و مقایسه‌ای، در حالی که در سیلابس سال ۱۳۷۵، ۸ سرفصل درسی مربوط به اسلام ارائه شده بود، در سال ۱۳۹۲، سرفصل‌های درسی اسلامی (قرآن و سیاست، حقوق بین‌الملل اسلامی، اندیشه‌های سیاسی در اسلامی و...) به ۲۲ عنوان رسیده است. با این وجود محورها و فصل‌های درسی در سیلابس ابلاغی ۱۳۹۲ نسبت به سیلابس ابلاغی ۱۳۷۵ بیشتر بر اساس دیدگاه مدرن به سیاست (نگرش قدرت‌محور به سیاست) تدوین شده است. به عنوان نمونه در درس «حقوق بین‌الملل اسلامی» سال ۱۳۷۵، محورهایی مانند اصل صلح و همزیستی، اصل تعهد یکتاپرستانه، اصل وفای به عهد، اصل مدارا و تحمل، اصل همیاری و برابری، اصل عدم مداخله و اصل حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات وجود داشته است اما در سال ۱۳۹۲ این محورها حذف شده است. محورهای اصلی درس حقوق بین‌الملل اسلامی در سال ۱۳۹۲ عبارتند از: جهانشمولی اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر، اسلام و دولت، حقوق دیپلماتیک در اسلام، (حقوق بیگانگان، حقوق اقلیت‌ها، حقوق پناهندگی، قاچاق زنان و کودکان، بردگی مدرن)، حل و فصل اختلافات، معاهدات و قراردادهای در اسلام، جایگاه اخلاق در حقوق بین‌الملل و نقد حقوق بین‌الملل.

در یک مقایسه دیگر، نسبت محورهای صلح به محورهای جنگ و نظامی‌گری در سال ۱۳۷۵، ۱ به ۵/۲ بوده در حالی که این نسبت در سال ۱۳۹۲، ۱ به ۹ برآورد شده است. بررسی سیلابس‌های دو مقطع نشان می‌دهد که نسبت پرداختن به مفهوم صلح در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲ به طور مساوی ۱۲ محور بوده است اما افزایش تعداد درس‌ها از ۶۷ درس به ۸۸ درس و تعداد محورهای درسی از ۱۴۸۰ به ۲۳۹۱ محور درسی نشان می‌دهد که فصل‌های مربوط به صلح، متناسب با افزایش سرفصل‌ها و فصل‌های درسی افزایش نیافته است. بنابراین با وجود آنکه عنوان درسی اسلامی در سال ۹۲ افزایش یافته است (از ۸ درس به ۲۲ درس) اما محورهای صلح و مصادیق آن نه تنها افزایش نیافته بلکه سیر نزولی داشته است. سایر محورهای درسی نیز بر خلاف دیدگاه‌های اسلامی مبتنی دیدگاه‌های قدرت‌محور به سیاست تدوین شده است.

مجموعه سرفصل‌های ابلاغ شده در سال ۱۳۹۲، ۸۸ عنوان درسی و مجموعه فصل‌ها ۲۳۹۱ محور را در بر می‌گیرد. از میان ۸۸ درس یا سرفصل ارائه شده، تنها یک درس با عنوان «جنگ و صلح» اختصاص داده شده است که دارای ۲۶ فصل است. در این درس

۲۲ فصل به مسائل جنگ پرداخته و ۴ فصل آن به مسائل صلح اختصاص یافته است. از مجموع ۲۳۹۱ فصل تنها ۱۲ محور به طور معین به مفهوم صلح اختصاص یافته است در حالی که ۱۷۰ فصل به جنگ، منازعه، مسائل نظامی، بحران و چالش پرداخته است و ۶۰ محور نیز به مفهوم قدرت، زور، قدرت‌های بزرگ و... اختصاص دارد. در مجموع ۱۲۱ محور به مفهوم صلح و مصادیق آن از قبیل: دیپلماسی، همکاری، تعامل، فرهنگ و تمدن، مذاکره، تألیف قلوب، اخلاق، همزیستی و مدیریت بحران پرداخته است. به عبارتی دیگر تنها ۵٪ از مجموعه محورهای درسی به صلح و مصادیق تقویت کننده آن پرداخته است. بررسی برخی از درس‌های مرتبط با صلح و مصادیق آن نشان می‌دهد نسبت محورهای صلح به مجموعه فصل‌های درس‌های مرتبط با صلح نیز بسیار ناچیز است:

درس جنگ و صلح: (۲۶فصل)، ۲۲ فصل جنگ، ۴ فصل صلح

درس قرآن و سیاست: (۲۲ فصل)، ۱ فصل جنگ و صلح

درس سیره پیامبر اکرم: (۳۳ فصل)، ۱ فصل، سیره پیامبر در جنگ و صلح

درس سیره ائمه اطهار(ع): (۳۴ فصل)، ۱ فصل، صلح امام حسن(ع)

درس حقوق بین‌الملل عمومی: (۴۲فصل)، ۲ فصل صلح

درس اصول و مبانی روابط بین‌الملل: (۵۳ فصل)، ۱ فصل صلح

درس سازمان‌های بین‌المللی: (۳۴ فصل)، ۲ محور صلح

درس حقوق بین‌الملل اسلامی: (۳۳ فصل)، ۱ فصل صلح

درس مدیریت بحران‌های بین‌المللی: (۲۳فصل)، ۲ فصل صلح

در ادامه جدول فراوانی سرفصل‌ها و فصل‌های مربوط به مفهوم و مصادیق جنگ، قدرت و صلح در سیلابس ابلاغی سال ۱۳۹۲ نشان شده است:

مجموعه درس‌ها (سرفصل‌ها)	مجموعه محورهای درسی (فصل‌ها)
۸۸	۲۳۹۱
صلح: ۰	صلح: ۱۲
دیپلماسی: ۲	جنگ و مسائل نظامی: ۱۰۹
همکاری: ۰	بحران و چالش: ۷۱

فرهنگ و تمدن: ۲	همکاری، همگرایی و تعامل: ۱۱
اخلاق: ۱	قدرت: ۶۰
مدیریت بحران: ۲	عدم مداخله: ۱
حقوق: ۸	مداخله: ۲
مسائل نظامی و جنگ: ۴	پیمان نظامی: ۴
همگرایی: ۰	پیمان صلح: ۳
گفتگو: ۰	منازعه: ۴
تعامل: ۰	مصالحه: ۰
ارتباطات: ۱	اخلاق: ۱۹
همزیستی مسالمت آمیز: ۰	مسائل فرهنگی: ۲۴
فرهنگ همسایگی: ۰	فروپاشی: ۸
روابط با همسایگان: ۱	تألیف قلوب: ۱
حقوق بشر دوستانه: ۰	دیپلماسی: ۸
حقوق بشر: ۰	مذاکره: ۴
مذاکره: ۱	دوستی و آشتی: ۰
قرآن و سیاست: ۱	ارتباطات: ۵

### نتیجه

صورت‌بندی سرفصل‌ها و فصل‌های درسی رشته علوم سیاسی در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲ نشان می‌دهد که محورهای ابلاغ شده از سوی وزارت علوم با اهداف انسانی، اسلامی و صلح‌طلبانه اعلام شده توسط آن وزارت‌خانه تطبیق ندارد. در سال ۱۳۹۲، عناوین درسی اسلامی نسبت به سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است اما محورها و فصل‌های درس‌ها مبتنی بر رویکردهای سنتی و مدرن به علم سیاست تدوین شده است. فصل‌ها و محورها زیادی به جنگ، قدرت و مسائل نظامی اختصاص یافته است در حالی که محورهای مربوط به صلح، تعامل، همزیستی، دیپلماسی و اخلاق به نسبت مسائل جنگ و قدرت بسیار محدود است. به عبارت دیگر نخبگانی که محورهای درسی را برای رشته علوم سیاسی تدوین کردند (احتمالاً ناخودآگاه)، به شدت متأثر از دیدگاه قدرت‌محور به سیاست بوده‌اند. مقایسه سیلابس درسی سال ۱۳۷۵

با سال ۱۳۹۲ حتی نشان می‌دهد، محورهای درسی سال ۱۳۷۵ بیشتر از سال ۱۳۹۲ دارای فصل‌ها و محورهای انسانی، اخلاقی و صلح‌گرایانه است. به عنوان نمونه مقایسه فصل‌های تعیین شده در درس حقوق بین‌الملل اسلامی در این دو سیلابس و نیز نسبت محورهای صلح به محورهای جنگ و نظامی‌گری در مجموعه درس‌ها مؤید این ادعا است. بررسی سیلابس سال ۱۳۹۲ می‌دهد، تدوین‌کنندگان محورهای درسی در سال ۱۳۹۲ سرفصل‌های درسی را بر اساس اهداف اسلامی تغییر دادند اما فصل‌های هر درس را با رویکردی مدرن یا قدرت‌محور نگارش کردند. گمشده بزرگ نیز در میان محورها، مسائل مربوط به صلح است. مقوله‌ای که به تعبیر امام خمینی، غایت تعلیمات اسلامی را تشکیل می‌دهد.

دیدگاه اسلامی به مقوله سیاست و جایگاه صلح در تعلیمات اسلامی ایجاب می‌کند، وزارت علوم در قالب محورها و محتویات درسی در رشته‌های علوم انسانی، فرهنگ صلح را ترویج نماید. صلح‌پروری (Peace building) یک مفهوم و ترم علمی است که در کشورهای مختلف به منظور ایجاد فرهنگ صلح، عدم خشونت، احترام به حقوق بشر و ترویج تساهل میان فرهنگ‌ها مطرح شده است و آنگونه که گریفیتس می‌گوید، برای این منظور در بیش از ۱۰۰ دانشگاه جهان، رشته مطالعات صلح تدریس می‌شود. مطالعات صلح (Peace studies) به صورت میان رشته‌ای به علل ستیزهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌پردازد و امکان راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز را بررسی می‌کند.

بر اساس آنچه تحلیل و تبیین شد و با هدف تقویت جایگاه صلح در علوم انسانی، محورهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

تعیین درس «مطالعات صلح» به عنوان یک درس مستقل در رشته‌های علوم انسانی، ایجاد تناسب میان مصادیق صلح و مصایق مسائل نظامی و جنگ در محورهای درسی علوم سیاسی،

اتخاذ رویکرد چندرشته‌ای در مطالعات صلح شامل: انسان‌شناسی، تاریخ، روابط بین‌الملل، حقوق، ادبیات، جامعه‌شناسی، فلسفه، سیاست، روان‌شناسی، کلام و الهیات،

تأسیس دانشکده مطالعات صلح پس از اجرا و ارزیابی دو بند فوق،

ارائه درس «گفتگو و مفاهمه» به عنوان یک سرفصل مستقل برای رشته علوم سیاسی،

تربیت فارغ‌التحصیلان متخصص در حوزه‌های فن مذاکره، فن میانجگری، فن مهار

و مدیریت بحران.

## کتابنامه

### منابع فارسی

- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). سیاست حکمت متعالیه، *نشریه پگاه حوزه*، شماره ۲۱۶.
- دونرتی، جیمز و رابرت فالترزگراف. (۱۳۷۶). *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس.
- سرفصل درسی. (۱۳۷۵). مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم برای رشته علوم سیاسی، تهران.
- سرفصل درسی. (۱۳۹۲). مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی برای رشته علوم سیاسی، تهران.
- سلیمی، حسین. (۱۳۸۴). شیوه‌های گوناگون شناخت و ادراک در مطالعات سیاسی و بین‌المللی، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال اول، شماره ۱.
- شیرازی، سیدصادق. (۱۳۸۶). *اسلام و سیاست*، ترجمه حمید شیخی، قم: نشر سلسله.
- عالم، عبدالرحمان. (۱۳۸۰). *بنیادهای علم سیاست*، چاپ هفتم، تهران: نشر نی.
- گریفیتس، مارتین. (۱۳۸۸). *دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان*، تهران: نشر نی.
- های، کالین. (۱۳۸۵). *درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی*، ترجمه احمد گل محمدی، نشر نی، تهران.

### منابع انگلیسی

- Burnham, Peter, Karin Gillard, Lutz Weygand and Zing Layton – Henry. (2008). *Research Methods in Politics*, Palgrave Michelin, New York.
- Kenneth Waltz. (2000). Structural Realism after the cold war, *International security*, Vol. 25, No.1
- Roselle, Laura and Sharon Spray. (2012). *Research and Writing in International Relation*, Pearson.
- Tansy, Stephan. (2000). *the Basic Politics*, Rutledge, London